

بیان نشده است که چگونه با امر حضرت مهدی (ع) آشنا می شوند. مطلب سوم: مطابق روایات متعدد پرچم هابی که از مشرق (سمت ایران) بلند می شوند، حق بوده و زمینه ساز و مُهْمَد ظهور امام مهدی (ع) هستند. در میان پرچم های متعددی که افراشته می شود سه پرچم مستقل، برجسته هستند: یمانی، خراسانی و سفیانی. روشن است که سفیانی پرچم ضلالت و ظلم است، و از آنجا که خراسانی و یمانی در یک جبهه قرار ندارند و طبق روایت و دلیل عقلی، پرچم حق یکی بیشتر نیست، خراسانی نیز نمی تواند پرچم هدایت باشد، گرچه با سفیانی می جنگد، لذا پرچم های حق و زمینه ساز شرق به یمانی (مهدی اول) که دعوت به حق می نماید منسوب است. این موضوع شواهد روایی نیز دارد.

مطلب چهارم: این گروه که اصحاب خاص حضرت هستند امیری دارند و گرچه همدیگر را نشناسند امیر خود را می شناسند و او آن ها را به حضرت مهدی(ع) می رساند و امام را به آن ها معرفی می کند. در روایات یک نفر بین این ۳۱۳ نفر مقام برتری دارد و برجسته شده است، دقت در این موضوع حائز اهمیت است. ظاهر برخی روایات هم این است که ۳۱۳ نفر اصحاب حضرت در غیر مکه، با امیر خود اجتماع دارند. این شخص همان مهدی اول و اول المؤمنین است. شواهد روایی و تبیین آن ها در ادامه بیان خواهد شد. در گام آخر اثبات می کنیم لقب یمانی نیز مربوط به اوست، لذا لشکر یمانی منسوب به امام مهدی محمد بن الحسن(ع) است که مهدی اول از او دستور می گیرد.

مطلب پنجم: یمانی همان مهدی اول است که پیش از ظهور امام مهدی (ع) هدایتگر به حقّ است؛ چرا که او با امام مهدی (ع) در ارتباط است و تمام فعالیت های او به امر امام مهدی (ع) است، لذا دعوت و قیام و تجهیز لشکر توسط او نیز با اشراف حضرت صورت می گیرد. (ادله قطعی در جای خود به تفصیل بیان شده است و ما در مقاله ی مستقلی به این مسئله پرداخته ایم.) بدون شک مقدمه ی تجهیز سپاه و مقابله با سفیانی، اقدام به دعوت و پرداختن به تربیت اعتقادی یاوران برای آغاز جهاد است. در قسمت های بعد این مطالب را شرح خواهیم نمود. ادامه دارد....

«رمز گشایی از ارتباط اصحاب امام مهدی (ع) و یمانی» (قسمت اول)

مطابق روایات متعدد اصحاب امام مهدی (ع) بدون قرار قبلی گرد حضرت جمع می گردند، ایشان چه ارتباطی با یمانی که یکی از علائم ظهور است دارند؟ آیا ایشان پیرو یمانی هستند؟ و آیا جمع شدن بدون قرار قبلی ایشان با وجود لشکری پیش از ظهور، برای زمینه سازی قیام حضرت منافات دارد؟ حضرت بعد از ظهور، لشکری خواهند داشت و جایگاه افراد را خود معین خواهند نمود، ولی آیا این به معنای نفی زمینه سازی و تجهیز لشکر توسط یمانی است؟ لشکری که برای زمینه سازی و نصرت امام مهدی (ع) شکل می گیرد. یعسوب الدّین و جدا کننده ی حقّ و باطل در فتنه های آخر الزّمان کیست؟ ادله ی مهدی اول و یمانی چیست؟

در ادامه به این موضوعات می پردازیم و به تفصیل اثبات می کنیم که اجتماع بدون قرار قبلی اصحاب با اینکه ایشان از پیش به یمانی پیوسته اند و از او اطاعت نموده و برای قیام امام مهدی (ع) زمینه سازی می نمایند هیچ منافاتی ندارند، بلکه زمینه سازی و تجهیز سپاه توسط یمانی، نتیجه ی درک درست روایات است. یمانی، برای نصرت امام (ع) سپاهی فراهم می آورد و امام مهدی (ع) نیز بعد از ظهور از ظهور از میان ایشان و دیگران، سپاه خود را گرد خواهد آورد. روایات، شخصیتی برجسته در میان ۳۱۳ نفر اصحاب خاصّ امام مهدی (ع) را معرفی می نمایند که فرمانده اصلی ایشان و سپاه امام مهدی (ع) است، او اولین مؤمن به حضرت است که عنوان «یمانی» مربوط به اوست. بدون تردید تجهیز لشکر (برای مبارزه با سفیانی) و زمینه سازی، امری ضروری است و ظهور و فتوحات امام مهدی (ع) سیری طبیعی داشته و با مقدماتی رخ خواهد داد.

این موضوع را ضمن چند مطلب اثبات خواهیم نمود.

جمع شدن اصحاب قائم (ع) بدون قرار قبلی کنار امام مهدی (ع) در مکه:

روایات دلالت می کند اصحاب قائم (ع) بی آنکه یکدیگر را بشناسند، بدون قرار قبلی در سر صحنه ظهور در مکه حاضر می شوند و با حضرت بیعت می نمایند. برخی از این روایات برداشت کرده اند که حضرت پیش از ظهور هیچ سپاهی ندارد و خود به گزینش سپاهیان اقدام خواهد نمود؛ چرا که به گمان ایشان تجمیع لشکر و ۳۱۳ نفر اصحاب خاصّ حضرت ناگهانی و بدون میعاد و توسط خود امام مهدی (ع) رخ خواهد داد. به گفته ی برخی از مخالفین، یمانی و خراسانی نیز هیچ شأن تمهید و زمینه سازی ندارند، بلکه تنها علاماتی پیش از ظهور حضرت هستند. آیا این نگاه از روایات به دست می آید؟ طبیعتاً از نگاه مخالفین، خداوند خود برای بعد از ظهور تدبیری دارد و یاران حضرت را به شکل ناگهانی دور ایشان جمع می کند و حضرت با پشتیبانی این لشکر در پیش چشمان متحیر و تماشاگر باقی انسان ها، جهان را فتح خواهد نمود و هیچ کس پیش از ظهور، بستر سازی های لازم را برای یک قیام جهانی همچون تربیت نیرو و زمینه سازی اعتقادی انجام نداده است، بلکه امر ظهور بدون هیچ مقدمه ای و به شکلی خارق العاده رخ می دهد.

در ادامه برخی روایات مربوط را ذکر می کنیم تا صحت و سقم این نگرش را بررسی نماییم. (۱) «عَنْ أَبِي نَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) فِي قَوْلِهِ فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ أَيْنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمْ اللَّهُ جَمِيعًا قَالَ نَزَلَتْ فِي الْقَائِمِ وَ أَصْحَابِهِ يَجْتَمِعُونَ عَلَى غَيْرِ مِيعَادٍ.» (الغُبَّةُ لِلنَّعْمَانِي، ص ۲۴۱)

«درباره سخن خداوند «به سمت خیرات بشتابید هر کجا باشید خداوند همه ی شما را خواهد آورد» فرمود: این آیه درباره قائم نازل شده است اجتماع می کنند بدون قرار قبلی»

(۲) «قَالَ فَيَجْمَعُ اللَّهُ عَلَيْهِ أَصْحَابَهُ ثَلَاثَمِائَةٍ وَ ثَلَاثَةَ عَشَرَ رَجُلًا وَ يَجْمَعُهُمُ اللَّهُ لَهُ عَلَى غَيْرِ مِيعَادٍ قَرَعًا كَفَرَعَ الْحَرِيفَ وَ هِيَ يَا جَابِرُ الْآيَةُ الَّتِي ذَكَرَهَا اللَّهُ فِي كِتَابِهِ- أَيْنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمْ اللَّهُ جَمِيعًا إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ فَيُبَايِعُونَهُ بَيْنَ الزُّكْنِ وَ الْمَقَامِ وَ مَعَهُ عَهْدٌ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ ص قَدْ تَوَازَتْهُ الْأَنْبَاءُ عَنْ الْأَبَاءِ وَ الْقَائِمِ يَا جَابِرُ رَجُلٌ مِنْ وَلَدِ الْحَسَنِ يُصْلِحُ اللَّهُ لَهُ أَمْرَهُ فِي لَيْلَةٍ فَمَا أَشْكَلَ عَلَى النَّاسِ مِنْ ذَلِكَ يَا جَابِرُ فَلَا يُشْكَلَنَّ عَلَيْهِمْ وَلَا دَيْتُهُ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ ص وَ زَوَاتُهُ الثَّلَاثَةُ عَالِمًا بَعْدَ عَالِمٍ فَإِنْ أَشْكَلَ هَذَا كُلُّهُ عَلَيْهِمْ فَإِنَّ الصُّوتَ مِنَ السَّمَاءِ لَا يُشْكَلُ عَلَيْهِمْ إِذَا نُودِيَ بِاسْمِهِ وَ اسْمُ أَبِيهِ وَ أُمِّهِ.» (الغُبَّةُ لِلنَّعْمَانِي، ص ۲۸۲)

«فرمود: پس خداوند اصحاب او سیصد و سیزده نفر را بر او جمع خواهد نمود و خداوند آن ها را بدون قرار قبلی همچون پاره های ابرهای پاییزی جمع می نماید و این همان آیه ای است که خداوند در کتابش فرموده است: «هر کجا باشید خداوند همه ی شما را خواهد آورد قطعا خداوند بر هر کاری تواناست». پس بین رکن و مقام با او بیعت می کنند و به همراه اوست وصیتی از جانب رسول خدا (ص) که فرزندان از پدران به ارث برده اند و قائم یا جابر مردی از فرزندان حسین(ع) است. خداوند امر او را در یک شب اصلاح می کند پس هر آنچه بر مردم از این امور مشکل شود ولادت او از رسول خدا (ص) و وراثتش از علماء، عالمی بعد از عالم، پس اگر همه این ها بر ایشان مشکل شود بی شک صدا از آسمان بر ایشان مشکل نمی شود، وقتی به اسم او و اسم پدر و مادرش ندا شود». روایات دیگری نیز در ادامه نقل خواهد شد.

برای تحلیل این موضوع لازم است همزمان به چند موضوع توجّه نمود. مطالبی را بیان می کنیم که در نظر گرفتن مجموع این ها موضوع را روشن می نماید. آن ها را ابتدا به اجمال بیان می کنیم، سپس در قسمت های بعدی مقاله با تفصیل بیشتری توضیح خواهیم داد.

مطلب اول: آنچه در روایات آمده است اجتماع ۳۱۳ نفر اصحاب خاص امام مهدی (ع) به هنگام ظهور بدون قرار قبلی در مکه است، نه اجتماع همه انصار حضرت. این امتیاز مربوط به افرادی بسیار برجسته با مقامی شامخ است که در اولین لحظات ظهور کنار حضرت حاضر هستند.

مطلب دوم: بسیاری از این روایات فقط به نحوه ی گرد آمدن سیصد و سیزده نفر اصحاب اشاره می کنند (که مانند تکه های ابر پاییزی پراکنده هستند که از اطراف به هم متصل می شوند و برخی شب از بستر ناپدید شده و صبح در مکه گرد هم می آیند ...)) در این روایات هرگز پیشینه ی این افراد

از ابی الازهر ناصح بن علیه البرجمی در حدیثی طولانی گفت :

(در مسجدی جنب دار السنّی همراه بن شاهک و ابن السکیت نشسته بودیم پس در مورد ثقت عریبه به بحث پرداختیم، در حالی که با ما مردی که او را نمی شناختیم بوده، پس خطاب به ما گفت که شما به بر پایی و استوار نمودن دینتان، بیشتر از استوار بودن زبان هایتان نیاز دارید، پس حدیث را به سوی امام وقت برده و گفت : بین شما و ایشان چیزی جزء این دیوار وجود ندارد، گفتیم : منظور این زندانی موسی کاظم (ع) است ؟

گفت : بله، گفتیم : بلند شو و به صورت مخفی از پیش ما برو قبل از اینکه کسی شما را همتشین با ما ببیند، پس به سبب شما گرفتار شویم. گفت بخدا قسم که اصلا این کار را نمی کنند و به خدا قسم این موضوع را به شما گفتیم مگر با امر ایشان) .

(مقاب آل ابی طالب – ابن شهر اشوب، ج ۳ ص ۴۱۴)

﴿ اَتَوَصَّوْا بِهِ بَلْ هُمْ قَوْمٌ طَآغُونَ ﴾

(الذاریات:۵۳)

﴿ آیا به یکدیگر سفارش کرده اید بلکه این مردم گروهی سرکش و نافرمانند ﴾

مردم را چه شده است که به اقوام و ملت های قبل از خود توجّه و التفات نمی کنند و یا عبرت نمی گیرند تا خود را از آفتان دور کرده و از دام آفتا نجات یابند . در این آیه خداوند می خواهد تا مردم را به این حقیقت ملّحت سازد و آن یکی بودن راه و روش علمای پی عمل، در مواجه با دعوتهای پیامبران و اوصیاء است.

نشانه های ظهور

از رسول خدا ﷺ: تنها از سه مورد برای امتم می ترسم: قرآن را به غیر از تفسیر خود او تأویل کنند و یا دنبال لغزش و خطای عالم بروند ، و یا صاحب مال شوند تا اینکه سرکش شده و به عیش و نوش بپردازند ، پس راه بیرون آمدن از این حالتها را به شما خواهم گفت : و اما قرآن، پس به محکم آن عمل کنید و به متشابه آن ایمان داشته باشید ، و اما عالم، پس از علم او استفاده کرد و از خطا و لغزش او پیروی نکنید ، و اما راه خروج از مأل، شکر نعمت و ادای حق ان است. الخصال ص ۱۶۴

امام صادق علیه السلام می فرمایند: آیا نشنیدید که خداوند می فرماید : « شما حق کاشتن درختان را ندارید » می فرماید ، شما حق اینکه امامی از طرف خود انتخاب کنید و او را به دلخواه و اراده خود محق بنامید ندارید و سپس امام صادق علیه السلام فرمود : سه گروه هستند که خداوند در روز قیامت با آنها صحبت نمی کند و برای آنها عذاب دردناکی خواهد بود ، کسی که درختی را بکارد که خدا نکاشته است، یعنی امامی را منصوب کند که از طرف خدا منصوب نشده است. تحف العقول صفحه ۳۲۵



چگونه از انبیاء شویم؟

(لَيْسَ عَلَى الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ جُنَاحٌ فِيمَا طَعُمُوا إِذَا مَا اتَّقَوْا وَآمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ ثُمَّ اتَّقَوْا وَآمَنُوا ثُمَّ اتَّقَوْا وَأَحْسَنُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ)
بر کسانی که ایمان آورده و اعمال صالح انجام داده‌اند، گناهی در آنچه خورده‌اند نیست؛ اگر تقوا پیشه کنند، و ایمان بیاورند، و اعمال صالح انجام دهند؛ سپس تقوا پیشه کنند و ایمان آورند؛ سپس تقوا پیشه کنند و نیکی نمایند. و خداوند، نیکوکاران را دوست می‌دارد. (مائده : ۹۳)
خداوند متعال می فرماید: (لَيْسَ عَلَى الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ جُنَاحٌ فِيمَا طَعُمُوا).

بر آنان که ایمان آورده و نیکوکار شدند باکی نیست در آنچه از خوراکی ها خوردند :

یعنی کسانی که به رسول الله (ص) ایمان آوردند ، و نیکوکار شدند یعنی تابع ولایت بوده و از خلفاء و ائمه بعد از او پیروی کردند – که همان ائمه اهل بیت (ع) هستند – باکی نیست در آنچه از خوردنی ها بخورند. غذا در اینجا به معنای طعام روح است که همان علم می باشد؛ یعنی در چیزی که از علم رسول الله (ص) و اهل بیت (ع) ایشان میگیرند باکی بر آنها نیست و علم آنها همان درختی است که خداوند حضرت آدم (ع) را از خوردن میوه اش نهی فرمود و در روایتی در مورد فرموده ی خداوند : (فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ إِلَى طَعَامِهِ) انسان باید به غذای خویش بنگرد! (عبس : ۲۴) یعنی اینکه به علم خود بنگرد که آن را از کجا کسب می کند .

(إِذَا مَا اتَّقَوْا وَآمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ): هر گاه تقوا پیشه کرده، ایمان آورند و کارهای نیک کنند :

یعنی بر آنها باکی نیست، اگر تقوا پیشه کرده و از خداوند ترسیده و به علمی که از حضرت رسول (ص) و اهل بیت او (ع) گرفته اند ایمان آورند ، این علم از شجره ی علم آل محمد (ع) است و این شجره در وسط بهشت قرار دارد و همان شجره ی طیبه و سدرۃ المنتهی است.

(وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ) : و کارهای نیک کنند :

یعنی به علمی که کسب کرده اند عمل کنند، و به طور کل، علم حجت است، مگر آنچه بدان عمل شود ، و انسان اگر علم داشته باشد و به علم خود عمل نکند علم او فایده ای نخواهد داشت؛ به طور مثال اگر فرد مؤمن بداند که کمک به یک شخص مؤمن نیکوست و به او کمک نکند در علم او فایده ای نخواهد بود .

و این اولین مرحله در طریق عملی سلوک الی الله می باشد، که شامل تقوای الهی، شناخت حجت زمان، ایمان به او و تسلیم او شدن و بهره گیری از علم او و نهایتاً عمل مخلصانه در پیشگاه حجت خداوندی می باشد. پس ورود به مسیری که هر انسانی را به یک نبی مبدل می کند با تقوی میسر می گردد و با شناخت حجت خداوند و ایمان به او و تسلیم او شدن و دریافت علوم الهی از او (ع) و نهایتاً با عمل به آنچه فراگرفته است، در پیشگاه حجت خداوند اذمه می یابد و این چهار مورد آمیخته به هم می باشند و اولین مرحله ی صعود و تقرب الی الله را شامل می شوند.

(ثُمَّ اتَّقَوْا وَآمَنُوا) : و باز پرهیزکار شوند و ایمان آورند :

انسان اگر به آن علمی که از حضرت رسول (ص) و اهل بیت ایشان (ع) آموخته عمل کند، و بر عبادت و فرمان برداری از خداوند که همان اصل علم است مداومت داشته باشد، بی شک دروازه های غیب به روی او باز خواهد شد؛ البته اگر در عمل خود مخلص باشد، که در این صورت آیاتی از پروردگارش را خواهد دید، حال با رؤیای صادقه یا با کشف و مشاهده یا به هر طریقی که خدای تبارک و تعالی برای اولیای مخلص خویش می گشاید. و چیزی که مؤمن در ملکوت آسمانها مشاهده می کند را باید بعد از اینکه تقوا پیشه کرده و از خدای خود ترس داشت، به آن ایمان آورد و با تأمل و اطمینان فراوان به آن بنگرد، تا به تأویل و تفسیر چیزی که مشاهده کرده پی ببرد. و در این آیه (– ثُمَّ – سپس) برای بیان کندی و تأخیر به کار رفته ، یعنی این گونه گشوده شدن دروازه های ملکوت برای مؤمن، صرفاً با عمل محقق نمی شود، بلکه تداوم بسیار در عمل و اخلاص در طاعت را می طلبد، تا دروازه های ملکوت آسمانها برای اولیای خدای تبارک و تعالی باز شود .

بطور خلاصه دومین گام در طریق الی الله و نبی شدن، مداومت بر عمل مخلصانه در پیشگاه حجت زمان و ایمان به ملکوت آسمانها و اخبار غیبی می باشد .

ملکوت خدا از شما گرفته خواهد شد ، و به امتی که به ثمره اش عمل نماید عطا خواهد شد.

عیسی(ع) :متی: ۲۱

از ابان این تغلب از ابی عبد الله (ع)فرمودند: چه حالی خواهید داشت اگر سکوت و خاموشی بین دو مسجد واقع شده پس علم در آنها همان طور که مار در سوراخ خود وارد می شود علمشان برداشته می شود و اختلاف شیعه با هم، تا اینکه همدیگر را دروغگو نامیده و در صورت همدیگر تف کنند، گفتیم چه خبری در آن زمان وجود دارد؟ فرمودند که همه ی خیر در آن است. سه بار این جمله را برای نزدیکی فرج بیان نمود.(غیبت نعمانی، ص ۱۶۰)

علم از مدعیان دروغین علم گرفته می شود و به امتی دیگر داده خواهد: (و ما در زبور نوشتیم که قطعاً بندگان نیکوکار من ملک زمین را وارث و متصرف خواهند شد. در این قرآن برای اهل عبادت تبلیغ رسالت خواهد بود). (انبیاء: ۱۰۵)

این مثالی بر وجود رسول الله(ص) در کتاب عهد قدیم :

پس ابراهیم صبح زود برخاست و نان و مشکی پر از آب برداشت و بر دوش هاجر گذاشت و او را با پسر روانه ساخت. هاجر به بیابان بثر شبع رفت و در آنجا سرگردان شد (۱۵) وقتی آب مشک تمام شد هاجر پسرش را زیر بوته ها گذاشت (۱۶) و خود حدود صد متر دورتر از او نشست و با خود گفت ، نمی خواهم ناظر مرگ فرزندم باشم ، و زار زار بگریست(۱۷). آنگاه خدا به ناله های پسر توجه نمود و فرشته خدا از آسمان هاجر را ندا داد، گفت ای هاجر، چه شده است؟ ترس ! خدا ناله های پسرت را شنیده است(۱۸). برو و او را بردار و در آغوش بگیر. من امتی عظیم از او به وجود خواهم آورد(۱۹). سپس خدا چشمان هاجر را گشود و او چاه آبی در مقابل خود دید پس به طرف چاه رفته مشک را پر از آب کرد و به پسرش نوشانید(۲۰). و خدا با اسماعیل بود و او در بیابان فاران بزرگ شده(سفر پیدایش : ۲۱)

معتقد نیستم عاقلی بگوید نزد خداوند کفار و مشرکین و عبادت کنندگان بت پرست امتی عظیم باشد، یا کثرت را امت عظیم بدانند؛ پس مراد از امت عظیم و عظمای خداوند سبحان همان انبیاء و اوصیاء (ع) هستند، یعنی مقصود از امت عظیم از اسماعیل (ع) همان انبیاء و اوصیاء (ع) از ذریه او هستند؛ آنها محمد و آل محمد (ع) بخصوص خلفای خداوند در زمین میباشند .

و این مثالی از نصوص بر وجود رسول خدا محمد (ص) از عهد قدیم و جدید (تورات و انجیل) :

دروء حقیق نبی بر شجویه(۲) بار خدایا خبرت را شنیدم و هراسان گشته ام. ای پروردگار دوباره مانند سالهای قبل قدرت خویش را به ما نمایان ساز و رحمتت را بیاد آر(۳). در غضب، رحمت را یاد کن. خدا از تیمان آمد و قدوس از کوه فاران. خدا را می بینم که آسمانها را در برگرفته و زمین از حمد و سپاس او پر شده(۴). درخشش او مانند طلوع نور بود. او مرض وبا را پیشاپیش خود می فرستد و به مرگ فرمان می دهد که بدنیاال او بیاید(حقوق ۳)

معنی:

خداوند از تیمان آمد یعنی خداوند از یمن آمد.

و قدوس از کوه فاران یعنی قدوس از مکه آمد.

و منزه است خداوند که از آسمان به « آمد و شد »وصف گردد؛ پس چگونه ممکن است که از زمین بیاید زیراکه آمد و شد نیاز به حرکت دارد و در آخر نفی الهویت مطلق خداوند؛ پس امکان ندارد بگویم کسی که از تیمان یا یمن بیاید خداوند سبحان باشد و منزه است خداوند متعال از اینکه بگویم که شخصی که از فاران یا مکه بیاید قدوس سبحان و متعال باشد و خداوند بهتر از آن اوصافی است که برایش قرار داده اند،

(ثُمَّ اتَّقَوْا وَأَحْسَنُوا) : و باز پرهیزکار و نیکوکار شوند :

یعنی اینکه ترس از خداوند و نیکوکاری پیشه کرده و به آموزش مؤمنین و مردم و شناساندن آنها به چیزی که در ملکوت آسمانها دیده اند پرداختند و این همان مرحله تبلیغ است؛ و برای این است که خداوند نفرمود ایمان آورند، چرا که آنها به چیزی که دیده اند به یقین رسیده اند و حال در مرحله تبلیغ از خداوند متعال هستند .

(وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ) : که خدا نیکوکاران را دوست دارد :

چرا که مثال این افراد همچون انبیاء (ع) است و آنها مبلغینی برای خداوند به سوی خلقت هستند که حق را به آنها می شناسانند و آنها را به صراط مستقیم هدایت می کنند.

حضرت امیر المؤمنین (ع) در شرح حال این اولیاء می فرماید : (ایام الله را یادآور می شوند و از مقام و منزلت او می ترسند و راهنمایی هستند در جاهایی که ذهن انسان به خطا می رود، و گویی دنیا را به قصد آخرت طی کرده و در حالی که در آن هستند ماوراء آن را مشاهده کرده اند و انگار بر غیبهایی اهل برزخ در طول اقامتشان در آن مطلع شده اند و قیامت برای آنان محقق شده و برای اهل دنیا پرده از اسرار آن برداشته اند تا آنجا که گویی چیزی را می بینند که دیگران نمی بینند و چیزی را می شنوند که دیگران قادر به شنیدن آن نیستند). (نهج البلاغه، ص۲۱۲ خطبه ۲۲۲)
و این سه مرحله برای هر انسان مخلصی که خواهان ارتقاء الی الله می باشد قابل استفاده بوده و ما را جزو انبیاء الهی می گرداند.
والحمدلله وحده وحده وحده



مانند « دست پاک است خداوند متعال عظیم ... » « درخشش او مانند طلوع نور بود » « او مرض وبا را پیشاپیش خود می فرستد و به مرگ فرمان می دهد که بدنیاال او بیاید ».

بلکه کسی که می آید همان عبدالله محمد(ص) و اهل بیت او هستند، زیرا که آنها از مکه و یمنی هستند و آمدن محمد(ص) همان مثال آمدن خداوند تبارک و تعالی می باشد، زیرا که محمد(ص) خداوند در خلق می باشد. محمد(ص) همان ظهور خداوند در فاران است همانگونه که در کتب بسیاری آن را روشن نمودیم .

و اینکه تیمان همان یمن است در انجیل بر زبان عیسی (ع) نقل شده هنگامی که ملکه یمن را به ملکه تیمن (تیمان) وصف نمود.

انجیل متی ۱۲: ملکه تیمن با این دین بیا خواهد خواست و آن را مدیون خواهد نمود . زیرا که از دورترین نقاط جهان آمده تا حکمت سلیمان را بشنود.

لوقا ۱۱: ملکه تیمن بیا خواهد خواست با مردان این قوم و آنها را مدیون خواهد ساخت . زیرا که از دورترین نقاط جهان آمده تا حکمت سلیمان را بشنود.



دعای مشهور و معتبر از امام مهدی (ع) در کیفیت صلوات بر محمد

و آل محمد آمده تا آن جا که به خویشان می رسد و می فرماید:

(... اللهم أعطه فی نفسه وذریته وشیعته ورعیته وخاصته وعامته وعدوه وجميع

أهل الدنيا ما تقر به عینه، وتسربه نفسه... وصل علی ولیک وولاه عهده، والأئمة

من ولده، ومد فی أعمارهم، وأزد فی آجالهم، وبلغهم أقصى أمالهم [دینا]، دنیا وآخره

إنک علی کل شیء قدیر)

(... بار الهی به او و ذریه ی او، به شیعه و رعیت به خاصه و عامه و دشمنان

حضرتش و تمام اهل دنیا آن چه مایه ی چشم روشنی و خرسندی نفس

اوست، عطا کن... و بر ولیت و والیان عهدش و ائمه از فرزندانش درود

فرست و عمر طولانی ارزانی شان دار و مهلت اجل شان را فزونی ده و ایشان را

به آرزوهایشان در دنیا و آخرت برسان که تو بر همه چیز توانائی). (غیبی

طوسی: ص۱۸۳ – ۱۸۹.)



شَيْئًا وَوَجَدَ اللَّهُ عِنْدَهُ فَوْقَهُ حِسَابُهُ وَاللَّهُ سَرِيعُ الْحِسَابِ) . اعمال کافران هم‌چون سرابی است در یک کویر، که انسان تشنه از دور آن را آب می‌پندارد؛ اما هنگامی که به سراغ آن می‌آید چیزی نمی‌یابد، و خدا را نزد آن می‌یابد که حساب او را بطور کامل می‌دهد؛ و خداوند سریع الحساب است. (نور: ۳۹)

والحمدلله وحده وحده وحده.



چه ضرورتی دارد که رهبر و پیشوا ساخته ی الهی باشد؟

السلام علیکم و رحمہ واللہ و برکاتہ.

جایگاه رهبر یا پیشوا در امت همانند جایگاه سر در جسم است ، و هر وقت سر صالح باشد جسم نیز صالح می‌باشد، و اگر سر فاسد شود جسم نیز فاسد می‌شود. و این حقیقتی است که دو نفر عاقل در آن اختلاف نظر پیدا نمی‌کنند، و صالح بودن رهبر یا پیشوا بستگی به سازنده‌ی او دارد. علاوه بر این، رهبری که ساخته‌ی خداوند باشد به هیچ وجه از دایره ی مراقبت الهی خارج نمی‌باشد ، بلکه اختیار و انتخابش انجام نمی‌شود، الا بعد از کامل شدن عقلش تا اینکه از چهل و ظلم معصوم شود؛ و این دو آفت‌هایی هستند که اگر در سر قرار بگیرند آن را فاسد می‌کنند و در نتیجه جسم را نیز فاسد می‌کنند. در بیان مراقبت‌های خداوند بر رهبر یا پیشوای الهی خداوند متعال می‌فرماید: (قُلْ أَيْ شَيْءٍ أَكْبَرُ شَهَادَةً قُلْ اللَّهُ شَهِيدٌ بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَأُوحِيَ إِلَيَّ هَذَا الْقُرْآنُ لِأُنْذِرَكُمْ بِهِ وَمَنْ بَلَغَ أَنتُمْ لَتَنْشَهُدُونَ أَنَّ مَعَ اللَّهِ آلِهَةً أُخْرَى قُلْ لَا أَشْهَدُ قُلْ إِنَّمَا هُوَ إِلَهٌ وَاحِدٌ وَإِنِّی بَرِءٌ مِّمَّا تُشْرِكُونَ). بگو: شهادت چه کسی از هر شهادتی بزرگتر است؟ بگو: خدا میان من و شما گواه است و این قرآن بر من وحی شده است تا شما را و هر کس را که به او برسد بیم دهم. آیا شهادت می‌دهید که با الله خدایان دیگری هم هستند؟ بگو: من شهادت نمی‌دهم. بگو: جز این نیست که او خدایی است یکتا و از آنچه با او شریک می‌سازید بیزارم. (انعام : ۱۹)

اما هنگامی که به رهبر (ساخته ی) دست بشریت خواه ذاتی یا اجتماعی باشد منتقل شویم، هیچ ضمانتی نیست که چنین رهبری و پیشوایی کردن، آن رهبر را به بیماری چهل و یا ظلم، یا هردوی آنها دچار نکند، و در نتیجه یکی از آنها زاده دیگری خواهد بود، علاوه بر آن فرد انتخاب شده، صانع خود را زیر سلطه ی خویش قرار می دهد. بنابراین اگر نفسش او را رهبر و پیشوا قرار داده پس نفسش تحت سلطه اش قرار می‌گیرد، و اگر ملت او را رهبر و پیشوا قرار بدهند، هنگامی که برای رهبری ملت پیش آید ملت زیر سلطه و حکومت او قرار می‌گیرد؛ لذا وقتی به بالا سری خود نگاه می‌کند کسی غیر از خود را نمی‌بیند، صانع خود را نخواهد دید، زیرا آن کس که او را ساخته زیر سلطه و حکومتش قرار گرفته اس، از این رو راز گفته فرعون لعله الله را خواهیم فهمید، هنگامی که خداوند سبحان گفته‌ی او را در قرآن ذکر فرموده: (فَحَشَرَ فَنَادَى ﴿ فَقَالَ أَنَا رَبُّكُمُ الْأَعْلَى). پس همه را جمع کرد و ندا داد* و گفت: من پروردگار برتر شما هستم. (نازعات: ۲۳،۲۴)

و نیز خداوند متعال می‌فرماید: (وَقَالَ فِرْعَوْنُ يَا أَيُّهَا الْمَلَأُ مَا عَلِمْتُ لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرِي فَأَوْقَدْ لِي يَا هَامَانُ عَلَى الطِّينِ فَاجْعَلْ لِي صَرْحًا لَعَلِّي أطَّلِعُ إِلَى إِلَهٍ مُوسَى وَإِنِّي لِأَظُنُّهُ مِنَ الْكَاذِبِينَ). فرعون گفت: ای مهتران، من برای شما خدایی جز خود نمی‌شناسم. ای هامان، برای من آجر بیز و دیوار بلند یا برج بلند بساز، مگر خدای موسی را ببینم، که دروغگویش پندارم. (قصص: ۳۸)

چیزی که فرعون را به گفته این کلمات سوق داد این است که او ساخته ی خداوند سبحان نمی‌باشد تا مراقب سازنده ی خود باشد و از او بترسد ، بلکه او ساخته‌ی بشریت است، و سازنده ی او بعد از تسلطش زیر دست او و تحت حکومتش قرار گرفته شده است، و ساخته شده بر سازنده حاکم شده است، به همین خاطر (فرعون) آن گفته را به زبان آورد.

بنابراین آنکس که ذره ای عقل داشته باشد مخالف این نمی‌شود که حاکمیت خداوند و تنصیب الهی برای رهبر یا پیشوا تنها راه نجات از آفت ظلم و ستم میباشد، به همین جهت برادران و خواهران عزیز در قول پیامبر (ص) در باب ظهور مهدی(ع) خوب تدبر کنید، که فرمود: زمین را پر از عدل و داد می‌کند، بعد از اینکه از ظلم و ستم پر شده باشد.

پس چه کسی آن را از ظلم و ستم پر می‌کند؟! اینک واضح شد که مردم ممکن نیست رهبری صالح انتخاب کنند زیرا کسی که چیزی در اختیار ندارد نمیتواند آن را در اختیار دیگران قرار دهد، لذا حاکمیت مردم بوسیله‌ی حاکمیت خداوند مفتضح شده است؛ و برای مردم چه کسانی که به خدا ایمان دارند و چه کسانی که ایمان ندارند آشکار گردید که اصرار مردم برای باقی ماندن دستگاه‌های انتخابشان جهت تعیین حاکم در آینده چیزی جز ظلم و ستم از آن عایدشان نمی‌شود ، و حال آنها همانطور که حق سبحان وصف کرده است این چنین میباشد : (وَالَّذِينَ كَفَرُوا أَعْمَالُهُمْ كَسَرَابٍ بِقِيعَةٍ يَحْسَبُهُ الظَّمْآنُ مَاءً حَتَّى إِذَا جَاءَهُ لَمْ يَجِدْهُ سَبْحَانَ وَصف کرده است این چنین میباشد :



الحاد دعوت ایمان به علم یا راهکاری برای دین ستیزی...

بزرگان الحاد داشته باشید تا خود به حقیقت سخنی که ذکر کردم برسید. متأسفانه از میان عقاید اعتقادی ملحدان بی‌فرهنگ، یاوه‌گویی‌هایی به مشام انسان میرسد که ریشه در نژاد پرستی و تعصب قومی دارد، می‌گویید چگونه؟؟ بارزترین مثال؛ در میان ملحدان فارسی زبان تنها خداوند عرب یا دین ابراهیمی، مورد نقد قرار می‌گیرد که در این مورد علامت استفهام وجود ندارد؟؟ چرا دیگر خدایان مورد نقد قرار نمی‌گیرند؟ هر چند که رهبران الحاد در جهان شعار انسانیت را بر دوش حمل می‌کنند لکن آنها خود در صد تباهی ارزش‌های اخلاقی هستند. نمی‌گوییم که امروز دیانت و علمای ادیان این اقدام را عملی نکردند، بلکه می‌گوییم، بگذارید ارزش‌های دین را بشناسیم تا بتوانیم میان دین و دیانت علما تمایز قائل بشویم، و از این گونه قضاوت‌های عجولانه بپرهیزیم. اینکه بخواهیم درباره چیزی تحقیق کنیم موردی ندارد، لکن شخصی چشم بسته درباره ی قضیه ای قضاوت کند موجب سر افکندگی و شرمندگی خواهد بود. از همان ابتدا دعوت به کمالات انسانی در ذات آدمی وجود داشته و این فرستادگان خدا بودند که گام‌ها را در این راه استوار نمودند تا جامعه‌ی بشری بتواند در کنار یکدیگر با آسایش، شب را روز کند. در حقیقت این عقاید افراطی بود که کار را به جنگ‌های خونین کشاند؛ درحالی که در خلال اعتقادات و ارشادات دینی هیچ دعوتی به افراطی‌گری نشده است. این که بیابیم گناه مردان دین افراطی را بر گردن دین، خلق آویز کنیم خود نمونه‌ای از بیخردی است؛ مانند این که گناه مردن یک شخص در حادثه ی برق گرفتگی را به گردن ادیسون یا تسلا بیندازیم !!! می‌دانیم خنده آور است، لکن این سخن آخرین تلاش‌های ما در راه دعوت همه‌ی اشخاصی است که ادعای دانش می‌کنند تا پرده‌ی تعصب و جهالت را از روی چشم خود بردارند و در ایده‌ی الحادِ خویش باز نگری کنند .

گروه توهم الحاد

متأسفانه در این زمانه ادعاهای فرهنگ طلبانه با سایه‌ای از الحاد هم پیمان شده و آدمی در این روزگار ارزش‌های انسانی خویش را بدست فراموشی سپرده است. ارزشهای که در راه تحقق آنها مشقت‌ها را تحمل کرده و خونه‌ای مردانی ریخته شده است، که نام آنها چهار ستون تاریخ را به لرزه می‌اندازد. اشخاصی که جان و زندگی خویش را نثار ارزش‌های انسانی ساختند، اما در این زمان به خاطر تعصب‌های نابجا، دعوت به ارزش‌های انسانی در جهت ترویج الحاد یا بهتر بگوییم دین ستیزی سوق داده میشود؛ درباره این سخن دلایل فراوانی وجود دارد که صد البته از جانب ملحدان بی فرهنگ (نه آنهایی که در راه نقض دین با دلایل هستند)، برای این دین ستیزی‌ها هزاران دلیل موجه ساخته خواهد شد. این اشخاص با این که میدانند که جوهر و اصل دین با چیزی که علما در این روزگار نمایان میکنند در تضاد و نقیض یکدیگر هستند، اما متأسفانه همچنان بر دین ستیزی پافشاری می‌کنند. برای این اشخاص بی بند و باری در زندگی و مخصوصا جانب جنسی آنها در راه دین ستیزی محقق میشود. در حقیقت مشکل این اشخاص خودپرستی است نه این که بخواهند در پی یافتن حقیقت، عقل خویش را از تعصبات دور کرده و وجدان خویش را راهنمایی برای یافتن حقیقت قرار دهند؛ شاید کسی در پاسخ به این سخن بگوید که هیچ ملازمتی میان الحاد و بیند و باری وجود ندارد؛ متأسفانه این سخن تنها در محدودهی جملات و واژگان تعریف شده است لکن به خود اجازه دهید که اندک مطالعه‌ای در زمینه‌ی

سایت رسمی هفته نامه زمان ظهور:

www.zamanezohoor.com